

غزه شهر قدرت و افتخار

یادداشت دکتر ابراهیم یزدی در روزنامه اعتماد

۸۷/۱۰/۲۲



شهر غزه یکی از قدیمی ترین شهرهای دنیاست. قرن ها یک مرکز بزرگ تجارتي در کنار دریای مدیترانه، بین شرق و غرب بوده است. بسیاری از آثار قدیمی به دست آمده از این شهر، به چهارهزار سال قبل از میلاد مسیح تعلق دارد. این شهر میان آشوری ها، رومی ها، یونانی ها، ایرانی ها و اعراب دست به دست گشته است. سامسون (جالوت) در این شهر زندانی بود تا وقتی درگذشت. قبر جد پیامبر- هاشم - در این شهر در مسجد «سیدنا هاشم» است، به طوری که غزه را شهر هاشم نیز گفته اند. موسس مذهب شافعی در این شهر به دنیا آمده است. در جنگ های صلیبی چندین بار دست به دست گشت و در نهایت هلاکو خان مغول آن را از رومی ها پس گرفت و مسجد بزرگ غزه یادگار هلاکو خان- سال ۱۳۴۴- است. غزه در لغت به معنای قدرتمند، قوی، قادر و شهر نظرکرده است.

۲- ارتش اسرائیل که به برکت کمک های بی دریغ امریکا، از مجهزترین ارتش های جهان محسوب می شود، مدت دو هفته است که از زمین، هوا و دریا، به باریکه غزه یورش برده است. بمب افکن ها و توپخانه های اسرائیل از هوا و زمین مردم بی دفاع غزه، زن و مرد، پیر و جوان و کودکان را بی رحمانه می کشد و به اعتراضات جهانی، نیز کمترین اعتنایی ندارد. سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین المللی نیز قادر به اقدام جدی در جلوگیری از فاجعه انسانی در غزه نیستند.

در این عملیات ارتش اسرائیل همچنان سیاست های کلان فرماندهان نظامی را پیاده می کند. موشه یالون این سیاست را چنین تعریف کرده است؛ « ما باید آنچه را که فلسطینیان را داغ کنیم که آنها بپذیرند ملتی شکست خورده هستند قبل از شروع هر فرآیند سیاسی.»

(رک به Henry siegman:sharons Council an foreign Relation ص Dec18,2003 phony war.oped.)

هنگامی که ارتش اسرائیل به لبنان حمله کرد و به بیروت وارد شد و صبرا و شتیلا، دو اردوگاه بزرگ آوارگان فلسطینی در حومه شهر بیروت و مرکز فرماندهی ساف را اشغال کرد، شارون که فرمانده این نیروها بود همین سیاست را اعلام کرد و گفت: «باید ضمیر آگاه فلسطینیان را آنچنان «داغ» کنیم که اثر آن در ذهن آگاه نسل‌ها بماند و فلسطینیان هرگز نپندارند که قادر به مصاف با اسرائیل هستند و کردند آنچه در صبرا و شتیلا کردند؛ یک جنایت بزرگ و نابخشودنی؛ قتل عام.»

۳- چرا اسرائیل به غزه حمله کرده است و چرا اینچنین بیرحمانه زن و مرد و کودک و پیر و جوان را می‌کشد. هدف یا اهداف مشخص اسرائیل در این حمله چیست؟ و آیا اسرائیل به این هدف یا اهداف خود می‌رسد یا خیر؟ این حمله را می‌توان از زوایای مختلف بررسی کرد؛ اول آنکه پیش و بیش از هر چیز حمله ارتش اسرائیل به غزه واکنشی است روان‌شناختی به ناکامی در جنگ با حزب الله در لبنان. حمله اسرائیل به لبنان و درگیری با حزب الله اسطوره شکست ناپذیری ارتش اسرائیل را درهم شکست. برای یک فرد، یک گروه یا یک ارتش خودبزرگ بین، هیچ مجازاتی بدتر و سخت‌تر از ناکامی در رسیدن به اهدافش نیست. آسیب روان‌شناختی وارده بر ضمیر آگاه و ناخودآگاه اسرائیلیان یکی از علل بسیار مهم در این جنگ است.

هنگامی که یک غده چرکی، یک دمل یا کورک در بدن فرد به وجود می‌آید، هر قدر هم کوچک باشد، بر کارکرد طبیعی تمام ارگان‌های بدن اثر می‌گذارد و آنها را تضعیف یا مختل می‌سازد. زخم بر جای مانده از آن جنگ، نظم سیاسی، روانی و نظامی اسرائیل را مختل کرده است. حمله گسترده به غزه با تصور موثر بودن آن، برای ترمیم آن اختلال صورت گرفته است.

اما اسرائیل هدف حمله نظامی خود به غزه را درهم کوبیدن و از بین بردن ساختارهای سیاسی-نظامی حماس اعلام کرده است و تاکید دارد تا رسیدن به این هدف، به رغم اعتراضات گسترده جهانی، به حملات نظامی ادامه خواهد داد. نوار غزه، منطقه‌یی به طول ۳۴ کیلومتر و عرض متوسط ۱۲ کیلومتر، در محاصره کامل اسرائیل است. نه از خشکی و نه از دریا راه به جایی ندارد. رفح تنها راه ارتباطی غزه با دنیای خارج است و آن هم در کنترل مصر قرار دارد. در ۱۹۹۳ اسرائیل به دنبال توافقی با مصر، کنترل و مدیریت این گذرگاه را که به «جاده فیلادلفیا» معروف شده است به مصر واگذار کرد، به این شرط که آن را آنچنان کنترل کند که سلاح و مهمات از این گذرگاه وارد غزه نشود. مصر بر اساس این توافق، هماهنگ با اسرائیل عمل می‌کند. در دسامبر ۱۹۹۳ توافقنامه اسلو میان اسرائیل و ساف امضا و در ماه مه ۱۹۹۴ به اجرا گذاشته شد. به موجب آن، غزه به فلسطین واگذار شد. یاسر عرفات در ۱۹۹۵ در غزه مستقر شد. در ۱۹۹۵ به موجب توافقنامه جدید، سرزمین‌های غرب رودخانه اردن به فلسطین واگذار شد. در مارس ۱۹۹۶ اولین انتخابات آزاد مجلس شورای ملی فلسطین در نوار غزه و غرب رود اردن انجام شد. در انتخابات ۲۰۰۶، حماس اکثریت را به دست آورد.

اما اسرائیل نتیجه این انتخابات را که با نظارت سازمان‌های بین‌المللی انجام شده بود، به رسمیت نشناخت. علاوه بر این، در واکنش پیروزی حماس، نوار غزه را از همه طرف محاصره کرد. به طوری که در مارس ۲۰۰۸ سازمان‌های حقوق بشر گزارش دادند که وضعیت انسانی در نوار غزه به آن حد وخیم است که از سال ۱۹۶۷ تاکنون سابقه نداشته است. در شرایط جنگی کنونی، این محاصره به مراتب شدیدتر شده است.

علاوه بر این سرزمین نبرد در غزه با لبنان تفاوت‌های جغرافیایی دارد. غزه یک سرزمین صاف و هموار بدون کوهستان و جنگل است. نبرد حزب الله یا حماس با اسرائیل جنگ کلاسیک دو ارتش نیست، بلکه جنگ واحدهای کوچک چریکی، ارتش مردمی، جنگ نامنظم با یک ارتش مجهز کلاسیک است. این نوع جنگ‌ها از قوانین جنگ‌های

کلاسیک و منظم پیروی نمی کند. اما در تاریخ جنگ های چریکی جهان نمونه های بسیار نادری از این نوع جنگ در صحرا و دشت وجود دارد. در لبنان، جغرافیا، وضعیت سرزمینی، به نفع حزب الله و عملیات جنگ های نامنظم بود. حزب الله از همه طرف توسط ارتش اسرائیل محاصره نبود، به منابع غذا، سوخت و مهمات، از درون و بیرون لبنان دسترسی سریع داشت. غزه با داشتن جمعیتی حدود ۲۵۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع، از مناطق بسیار پرجمعیت دنیا محسوب می شود. این تراکم جمعیت می تواند عاملی مثبت به نفع جنبش مقاومت در یک رویارویی زمینی باشد. فاز اول عملیات نظامی اسرائیل علیه مردم غزه، بمباران های هوایی بود. در این مرحله مقاومت فلسطین تنها می توانست با پرتاب موشک پاسخ دهد. حملات هوایی نتوانست پرتاب موشک به داخل مناطق اسرائیلی را متوقف کند. اسرائیل فاز دوم عملیات نظامی را با حمله زمینی آغاز کرد. ورود ارتش اسرائیل به خاک غزه، با آن جمعیت متراکم می تواند معادله را به نفع مقاومت فلسطین تغییر دهد، اما اسرائیل به خوبی به طبیعت جنگ های مردمی در شهرها و امتیاز مقاومت مردمی در برابر ارتش متجاوز آگاه است. برای مقابله با این وضعیت، ارتش اسرائیل همزمان سه کار مهم انجام داده است؛ اول آنکه با هماهنگی مصر، گذرگاه رفح را بسته است. دوم با تقسیم غزه به مناطق کوچک تر، ارتباط میان بخش های مختلف غزه را قطع کرده است. سوم اینکه تمامی تونل های مخفی زیرزمینی میان غزه و مصر را شناسایی کرده و یک به یک آنها را از بین می برد. در چنین شرایطی، کلیه رفت و آمدها، انتقال مواد غذایی، دارویی و سایر احتیاجات مردم را به طور کامل مهار می کند.

اما مساله به همین جا ختم نمی شود. ارتش اسرائیل ممکن است در عملیات نظامی خود و مهار مقاومت موقتاً پیروز شود. اما به قول عرب ها، ثم ماذا- بعد از آن چه؟ آیا ارتش اسرائیل می خواهد در غزه بماند؟ آیا می تواند بماند؟

اگر می توانست آنجا را در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به طور کامل تخلیه نمی کرد و شهرک های یهودی نشین برچیده نمی شد. همان عوامل و عللی که موجب شد اسرائیل به ناچار غزه را تخلیه کند، همچنان پا برجا است. در صورتی که ارتش اسرائیل بخواهد برای مدت طولانی در غزه بماند، و راه حل های کلان و صلح با فلسطینیان را نپذیرد، مقاومت فلسطین حتی اگر ساختارهای سیاسی- نظامی حماس در هم ریخته و متلاشی شده باشد، نیروی خود را مجدداً سازماندهی می کند و به نوعی دیگر سر بر می آورد.

اسرائیل به رغم خط مشی فرماندهان نظامی، موفق به شکستن روحیه مردم فلسطین نخواهد شد. همان طور که اجرای سیاست موشه یالون- رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل- و شارون در لبنان موجب نابودی جنبش فلسطین نشد. اگرچه رهبری فلسطین حاضر به مذاکره با اسرائیل و امضای تفاهمنامه اسلو شد، اما همان قرارداد موجب انتقال رهبری و مرکزیت جنبش فلسطین از سرزمین های پراکنده عربی به داخل سرزمین فلسطین شد. از آن پس به جای آنکه ارتش های عربی آوارگان فلسطین را سرکوب کنند و هزینه آن را بپردازند، این خود اسرائیل بود که مجبور به مقابله با مردم فلسطین و پرداخت هزینه های آن شده است. خط مشی نظامیان اسرائیل مبتنی بر همان فلسفه «النصر بالعرب» است. این سیاست جواب نمی دهد. تاریخ نشان می دهد که اگر ظلم و ستم بکاری خشم و قهر و انقلاب درو می کنی. با ایجاد رعب و وحشت نمی توان اراده یک ملت را برای همیشه مقهور و مغلوب ساخت. پاشنه آشیل یا چشم اسفندیار سیاست النصر بالعرب ترساندن و مرعوب ساختن مردم است. اما اگر مردم نترسند و مرعوب نشوند، این سیاست ابتر و بی نتیجه است.

از طرف دیگر حمله اسرائیل به غزه و آنچه روی داده و می دهد هزینه های سنگین سیاسی و اخلاقی برای اسرائیل به وجود آورده است. اسرائیل بیش از هر زمان در افکار مردم جهان منفور و مطرود شده است. بنابراین اسرائیل اگرچه ممکن است پیروزی نظامی به دست آورد، اما از نظر سیاسی و اخلاقی بازنده است.

هیچ کشور و مردمی در دنیا به جز مقامات رسمی دولت فعلی امریکا، از عملیات نظامی اسرائیل حمایت نکرده است. در سرتاسر جهان فریاد اعتراض علیه اسرائیل بلند است. ویژگی برجسته این اعتراض همگانی بودن آن است. تنها اعراب و مسلمانان نیستند که اعتراض می کنند، فریاد بسیاری از مردم جهان در شرق و غرب شنیده می شود. در دهکده جهانی هر فرد یا گروه یا دولتی نمی تواند هر کاری را که بخواهد انجام دهد.

شکست اخلاقی و سیاسی اسرائیل نه تنها در کشورهای جهان بازتاب پیدا کرده است بلکه در خود اسرائیل نیز مخالفان راه حل نظامی را به تکاپو واداشته است. اگرچه بخشی از انگیزه این عملیات برای مصرف داخلی در انتخابات آینده اسرائیل به نفع گروه های تندرو است اما ادامه عملیات نظامی و طولانی شدن آن به ضرر اسرائیل تمام خواهد شد.

حمله اسرائیل به غزه و جهانی شدن چهره زشت قهر و خشونت و ترور و جنایت بار دیگر و بیش از گذشته دنیا را با واقعیت مساله خاورمیانه و اینکه راه حل های کوتاه مدت کارساز نیست، آشنا و متوجه ساخته است. تنها راه حل منطقی و ممکن که اجماع و توافق جهانی پیدا کرده است اجرای قطعنامه ۲۴۲ و عقب نشینی اسرائیل از سرزمین های اشغال شده در جنگ ۱۹۶۷ و تاسیس یک دولت مستقل فلسطینی است.

البته هنوز هستند گروه های فلسطینی و غیرفلسطینی که به دنبال راه حل یک کشور واحد با شرکت تمام فلسطینیان، یهودیان و مسیحیان هستند. اما این راه حل در حال حاضر واقع بینانه نیست. قبول کشور مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل، عملی، واقعی و در دسترس است. اما تمام قرائن و شواهد حاکی از آن است که اگر این راه حل در نهایت عملی شود، در درازمدت وجود دولت اسرائیل بلاموضوع خواهد شد و دیر یا زود به راه حل یک کشور واحد منجر خواهد شد و نگرانی اسرائیل و زیر بار صلح نرفتن و خودداری از تخلیه سرزمین های اشغالی و جلوگیری از تاسیس دولت مستقل فلسطینی به طور عمده معطوف به همین واقعیت اجتناب ناپذیر در آینده بی نه چندان دور است.

با قبول چنین نگرشی وظیفه هواداران صلح و کمک به فلسطینیان به کارگیری تمامی امکانات سیاسی، دیپلماتیک برای عملی شدن هر چه سریع تر راه حل دو کشور است.